

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال دوم

۷	نقش عرف‌های تجاری در تجارت بین‌الملل؛ تأثیر متقابل کنوانسیون بیع بین‌الملل و قواعد اینکوترمز
۳۳	دکتر محمود باقری - سروش رستم‌زاد اصلی - ناصر عزیزی شیوه‌های مقررات‌گذاری تبلیغات تجاری خطاب به کودکان در تلویزیون
۵۵	دکتر باقر انصاری - منیژه هاشمیان تأملی بر انحلال سازمان‌های بین‌المللی
۸۱	دکتر منصور جباری - مسعود احسن‌نژاد برخی مقررات اتحادیه اروپا در راستای تقریب ملل و نیل به فدرالیسم اروپایی
۹۹	دکتر سید حسین طباطبایی جرم‌شناسی مدرن و روابط متقابل میان جرایم
۱۱۵	دکتر علیرضا میلانی - محمد حاجی قاسمی اردبیلی حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه در چارچوب اسناد بین‌المللی
۱۴۷	آرمین طلعت - محمد آهنگر اصیل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در محاق سیاست ملی دولت‌ها: مطالعه موردی کره شمالی
۱۷۵	دکتر آرامش شهبازی - صمصام عوض‌پور مقایسه محدودیت‌های صدور اسناد رسمی با اسناد الکترونیکی مطمئن
۱۹۷	دکتر عباس کریمی - امیر سپاهی شرط گام ابتکاری در نظام اختراعات ایران
۲۱۷	حامد نجفی - مهسا مدنی بحران میانمار در آینه حقوق بشر
۲۵۳	مرضیه قلندری بررسی بزه‌های ناتمام در حقوق کیفری ایران
	علیرضا رحمانی نعیم‌آبادی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_40952.html

برخی مقررات اتحادیه اروپا در راستای تقریب ملل و نیل به فدرالیسم اروپایی (به همراه یک پیشنهاد برای ایران)

دکتر سید حسین طباطبایی*

چکیده:

پس از بروز بحران اقتصادی در اتحادیه اروپا، برخی از صاحب‌نظران راه نجات را در انحلال اتحادیه و برخی دیگر راه‌حل را در تقویت اتحادیه می‌دانند. نوشته حاضر، در پی توضیح دو گونه از مقررات و سیاست‌ها در جهت تقویت اتحادیه اروپا با رویکرد تقریب ملل است: اول. سیاست‌های فرهنگی و آموزشی؛ دوم. مقررات منطقه‌ای (با تأکید بر همکاری‌های مالی). اتحادیه اروپا با اتخاذ این مقررات و سیاست‌ها در پی نیل به شرایط لازم برای بقاء، ثبات و ارتقای همبستگی‌های درون اتحادیه است.

کلیدواژه‌ها:

اتحادیه اروپا، فدرالیسم، سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های آموزشی، مقررات منطقه‌ای.

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی) - ترویجی، شماره ۳۰، نیمسال دوم ۱۳۹۵
صفحه ۸۱-۹۷، تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۱/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۲۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دکترای حقوق بین‌الملل از مؤسسه حقوق صلح و توسعه، دانشگاه سوئیا آنتی پولیس فرانسه.

Email: hossein_tabatabaei63@yahoo.com

مقدمه

به نظر متخصصین، اروپا مریض است و جایگاه قبلی خود را در دنیا ندارد. بیکاری، بسته شدن کارخانه‌ها، احتمال خروج بریتانیا از اتحادیه، احتمال حذف واحد پولی مشترک «یورو»، مشکلات اقتصادی یونان و پرتغال و اسپانیا، مشکلات صنعت اتومبیل و سیطره چین، همه از نشانه‌های این بیماری و بحران اقتصادی است.

در پی بحران اقتصادی اخیر، مجدداً مباحث پیرامون اتحادیه اروپا در محافل علمی و رسانه‌ای کشورهای عضو در ابعاد مختلف پررنگ شده است و بعد از مدت‌ها امیدها نسبت به آینده این سازمان بین‌المللی را با تردید روبرو کرده است. از بعد اقتصادی، بررسی حجم معاملات و سنجش میزان توازن صادرات و واردات بین دول عضو، وضعیت بازار مشترک بعد از ۲۰ سال، و نتایج استفاده از واحد پولی مشترک «یورو» از محورهای مورد چالش است. از این بُعد، برخی راه‌حل بحران را در تشدید سیاست‌های ملی و حتی بازگرداندن واحد پولی داخلی دانسته‌اند، و در نقطه مقابل بخش دیگری از صاحب‌نظران راه اصلاح اقتصادی را در تقویت اتحادیه اروپا دانسته و بر همین مبنا و به عنوان یک راه‌حل، فدرالیسم اروپایی را مدنظر قرار داده‌اند. از بعد سیاسی و البته حقوق عمومی، جایگاه اتحادیه اروپا در روابط بین‌الملل، بررسی میزان دموکراتیک بودن ساز و کار نهادهای اتحادیه‌ای، سرنوشت و انتظارات از قانون اساسی و بررسی فدرالیسم اروپایی مورد نقد قرار گرفته، و دست آخر از بعد فرهنگی، تلاش‌ها برای تقریب ملل عضو مدنظر قرار داده شده است. قابل ذکر است که دغدغه تقریب ملل اروپایی، تأثیرات فراوانی بر دیگر ابعاد داشته و خواهد داشت.

ناگفته پیداست در پژوهش پیش‌رو پرداخت به همه موارد مذکور - هرچند اشاره‌ای به آنها شده باشد - امکان‌پذیر نیست. بنابراین در این پژوهش همراه با طرفداران تقویت اتحادیه اروپا به بررسی دغدغه‌های طرفداران فدرالیسم، به ویژه مقررات و سیاست‌ها در زمینه تقریب ملل به عنوان یک مؤلفه ضروری در این راستا می‌پردازیم.

بنابراین پس از ذکر تاریخچه‌ای کوتاه و اشاره به مشکلات حال حاضر این سازمان بین‌المللی، ابتدا به شرح مختصر زیرساخت‌های لازم برای فدرالیسم در اتحادیه اروپا می‌پردازیم، سپس دغدغه تقریب ملل و فرهنگ‌ها که از سوی اتحادیه با سیاست‌های مختلف دنبال می‌شود را بررسی خواهیم کرد و در همین زمینه نیز پیشنهادی در رابطه با ایران مطرح خواهیم نمود. ترتیب و عناوین مطالب بدین نحو خواهد بود.

۱- تبیین مشکل و راه حل آن

۱-۱- تاریخچه

۱-۲- زیرساخت‌های لازم برای فدرالیسم به مثابه یک راه حل

۱-۲-۱- تقسیم صلاحیت‌ها و توضیح ایده فدرالیسم برای شهروندان

۱-۲-۲- توجه به رابطه بین فدرالیسم و دموکراسی

۱-۲-۳- قانون اساسی و دولت اروپایی

۲- راهکارهای اتحادیه برای تقریب ملل

۱-۲- مقررات و سیاست‌های آموزشی و فرهنگی

۱-۲-۱- رشته‌های دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد

۱-۲-۲- برنامه اراسموس

۱-۲-۳- برنامه ژان مونه

۲-۲- مقررات و سیاست‌های منطقه‌ای

۲-۲-۱- برنامه مد

۲-۲-۲- سند اروپایی رسم همسایگی و مشارکت

۲-۲-۳- سایر مقررات و سیاست‌ها

نتیجه (یک پیشنهاد برای ایران)

۱- تبیین مشکل و راه‌حل آن

۱-۱- تاریخچه و تبیین مشکل:

با پایان قرن پانزدهم و اتمام قرون وسطی، ظهور لوتر در آلمان، اعتراض فئودال‌ها و شاهزاده‌نشینان به قدرت کلیسا از یک سو، و آغاز اکتشافات و اهمیت یافتن روزافزون تکنولوژی از سوی دیگر، مثلث قدرت، ثروت و دانش شکل گرفت، استعمار پدیدار شد و ابتدا اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلیس، و بعد از مدتی روسیه و بلژیک، سپس ایتالیا و آلمان و در نهایت آمریکا سیاست‌های استعماری در پیش گرفتند. همزمان با ترویج فرهنگ اروپایی در آمریکا و استرالیا، استعمار گسترش می‌یافت، به نحوی که قرن نوزدهم شاهد حضور فیزیکی و بعضاً نظامی کشورهای استعمارگر در سرزمین‌های مستعمره حتی مناطق مختلف چین و به ویژه آفریقا بود.

پس از چندی، افزایش هزینه‌های نظامی و اقامت در این سرزمین‌ها، موجب بازگشت نیروهای کشورهای استعمارگر به کشورهای متبوعشان شد. منشأ این عمل را می‌توان نظریات ویلیام پتی^۱ اقتصاددان، سیاستمدار و عضو پارلمان انگلستان دانست که بیان داشت توسعه نه برای کشورگشایی که برای تولید ثروت است. در واقع وی معتقد بود ثروت، قدرت است و دنیا، دنیای سودجویی است. پس باید به کشورمان برگردیم و از آنجا به هدایت امور بپردازیم. درواقع مواهب کشورگشایی حفظ شود اما از آفات آن که صرف هزینه‌های هنگفت است جلوگیری به عمل آید.

در واقع می‌توان گفت انگلستان اولین دولتی است که منشأ قدرت را در ثروت (در مقابل پهناوری سرزمین) جستجو می‌کند به موازات آن، صنعت خود را در منچستر و لیورپول استحکام می‌بخشد. آنچه رفته‌رفته سرلوحه دیگر دول نیز قرار می‌گیرد.

این رویکرد ثروت‌محور را تا آغاز قرن بیستم و در طول آن، در مواجهه با هر پدیده‌ای می‌توان مشاهده کرد. برای مثال در رابطه با اکتشاف نفت که به پیش از قرن ۲۰ برمی‌گردد، رویکرد دولت‌های قدرتمند پیش از قرن ۲۰ و در ابتدای آن نشانگر همین رویکرد است، به ویژه آنجا که مقامات بریتانیا رسماً اعلام می‌کنند دارایی‌های هنگفت نفتی [در منطقه خاورمیانه] برای تأمین احتیاجات دریاداری بریتانیا منظور شده است.^۲

1. William Petty

۲. محمد علی موحد، خواب آشفته نفت دکتر مصدق و نهضت ملی ایران (تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۶)، ۵۲.

سرانجام در قرن بیستم شاهد دو جنگ جهانی، کاهش قدرت و نفوذ بریتانیا در روابط بین‌الملل، اوج‌گیری اقتدار ایالات متحده آمریکا، جنگ سرد بین ایالات متحده و اتحادیه جماهیر شوروی، رشد اقتصادی آمریکا و اروپا از ۱۹۷۰ به بعد، تأسیس سازمان تجارت جهانی و مهم‌تر از همه ظهور تدریجی یک قدرت اقتصادی به نام چین هستیم. آنچه موجب شد مقامات آمریکایی اذعان کنند اگرچه از منظر سیاسی آمریکا فاتح جنگ سرد بر شوروی بود اما چین کومونیسم فراموش شد.

امروز کشورهای پیشرفته در یک سو قرار دارند و چین در سوی دیگر، چین نشان داده یک سیستم توتالیتر می‌تواند به لحاظ اقتصادی موفق باشد، ممکن است سال‌ها هم به همین شیوه دوام بیاورد، اگرچه شاهد بهار پکن در سال ۱۹۸۹ بودیم و هزاران دانشجو مقابل حزب کومونیسم اعتراض خود را نشان دادند و طلب دموکراسی کردند اما هنوز این سیستم پابرجاست. البته ممکن است گفته شود چین با نقض حقوق بشر توانسته این دستاوردهای اقتصادی را داشته باشد، اما در هر صورت اقتصاد این کشور موفق بوده و گفته می‌شود اگر وضع به همین منوال ادامه یابد تا سال ۲۰۱۷ ایالات متحده را نیز پشت سر خواهد گذاشت.^۳ در مورد اخیر باید گفت حتی با مورد بررسی قرار دادن کشوری مانند فرانسه متوجه می‌شویم که در مقابل ۳۷ واحد صادرات چین به این کشور تنها ۱۲ واحد واردات صورت می‌پذیرد و این فاصله ۲۵ واحدی نشانگر فاصله سرمایه‌گذاری چین نسبت به این کشور اروپایی است. این مسئله به قدری چشمگیر بوده است که فرانسوا اولاند در سفر اواخر ماه آوریل سال ۲۰۱۳ خود به چین از جمله مهم‌ترین دغدغه‌ها و خواسته‌های خود را ایجاد تعادل در تجارت مابین دو کشور ابراز کرد.^۴ در رابطه با اتحادیه اروپا عدم تعادل در روابط تجاری کشوری مثل فرانسه با چین، هنگامی مهم‌تر می‌شود که بدانیم یکی از مسائل اصلی و مشکلات داخلی اتحادیه اروپا رابطه اقتصادی کشورهایمان مثل آلمان و فرانسه با ایتالیا و اسپانیاست، رابطه اقتصادی بین این دو گروه نابرابر است، به عبارت دیگر فرانسه جزو قدرت‌های اقتصادی اتحادیه محسوب می‌شود اما با این حال از عدم تعادل تجاری با چین رنج می‌برد. درواقع برخی از کشورهای اروپایی به میزانی که مصرف می‌کنند تولید ندارند و

۳. گفتگو با محمود سریع‌القلم، «ایران و جهان به کدام سو می‌روند؟ عصر رمانتیسم سیاسی به پایان می‌رسد»،

اندیشه پویا ۶ (۱۳۹۱).

4. "Le Parisien," 25 avril 2013, dernière visite 06/12/2016 <http://www.laprovence.com/article/economie/2328198/hollande-en-chine-apres-pekin-le-president-francais-se-rend-a-shanghai.html>.

این موجب وابستگی این کشورها می‌شود. برخی معتقدند برای صادرات به خارج از اتحادیه باید ارزش یورو را کاهش داد و سوئیس را شاهد مثال می‌آورند که به دلیل قدرت در صنعت دارو از اختلاف قیمت با یورو سود می‌برد. اما باید گفت این سیاست حتی اگر مقابل دلار نتایج مثبتی داشته باشد، مقابل چین بی‌نتیجه می‌ماند. در واقع چین این پارادوکس را به وجود آورده که سیستم حمایتی‌ترین سیستم دنیاست اما از نظر اقتصادی موفق عمل کرده آنچه تئوری‌های غربی آن را نفی می‌کند.^۵

امر مسلم در اقتصاد اتحادیه اروپا، نیاز محسوس به رشد تولیدی است، کارهای خدماتی از آرایشگری تا وکالت، از پژوهش و تحقیقات گرفته تا دیگر خدمات اگرچه لازم است اما دیگر کافی نیست.

حال در این میان، برخی معتقد به ایجاد تعادل تجاری از طریق کاهش صادرات آلمان به کشورهای دیگر و افزایش واردات این کشور هستند، برخی معتقدند هر کشور پول ملی خود را احیاء کرده و از یورو برای مبادلات برون مرزی استفاده شود و برخی از پایان اروپا صحبت می‌کنند.

اما در سوی دیگر هستند کسانی^۶ که با تأکید بر ثمرات مثبت اتحادیه اروپا مثل بازار مشترک و آزادی‌های چهارگانه رفت و آمد تعریف شده در این مکانسیم^۷، راه‌حل را در تقویت ارتباط دول و ملل می‌بینند و معتقدند این راه آغاز شده را باید با همراهی و همدلی همه شهروندان و دول عضو ادامه داد^۸ و حتی هستند اشخاصی که در اندیشه تشکیل یک فدرالیسم اروپایی اند^۹. در این میان آنچه بیش از پیش احساس می‌شود، نیاز به تقریب شهروندان اروپایی با ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف است. نیازی که برای برطرف کردن آن اتحادیه اروپا برنامه‌ها و سیاست‌های مختلفی دارد.

۵. سریع‌القلم، پیشین.

۶. از جمله نیکول فونتن (Nicol Fontaine)، رئیس سابق پارلمان اروپا.

۷. نک:

Nicolas Ligneul and Olivia Tambou, *Droit européen du marché* (Paris: Ellipses DL, 2006), 248.

۸. Nicol Fontaine, « L'Union Européenne : après la crise quels espoirs de relance? » (Document présenté au Faculté de Droit et Science politique, Université Nice Sophia Antipolis, 20/11/2014).

۹. از جمله ریچارد نیول (Ricard Nihoul) با سابقه دبیرکلی و عضویت در هیئت مدیره اتاق فکر (think tank)

مؤسسه تحقیقاتی اروپای ما (Notre europe)، که در سال ۱۹۹۶ توسط ژاک دلور (Jacques Delors) بنا شد و درباره آینده اروپا به بحث و تبادل نظر می‌پردازد. وی سال‌های متمادی با اتحادیه اروپا در تماس بوده و برای کمیسیون اتحادیه فعالیت داشته و در واقع بخش عمده اثر او که در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده است، حاصل تجربیاتش از این همکاری و فعالیت بوده که در ادامه به آن اشاره خواهیم داشت.

۱-۲- زیرساخت‌های لازم برای فدرالیسم به مثابه یک راه‌حل:

برخی معتقدند جوانه‌های فدرالیسمی شدن اتحادیه اروپا از دهه ۱۹۹۰ زده شده^{۱۰} و با آغاز هزاره سوم مباحث پیرامون آن بیشتر نیز مورد توجه بوده است. اما دغدغه مهم طرفداران این پروسه، خلأ این بحث نزد مردم است. مقامات اتحادیه اروپا در راستای همین دغدغه سعی داشته‌اند تا این مسئله برای مردم مطرح، منافع اتحادیه‌ای و ملی این طرح شرح داده و زیرساخت‌ها به ویژه زیرساخت‌های فرهنگی لازم در این زمینه ایجاد شود. به نظر ایشان باید این باور به شهروندان داده شود که داشتن هویت اروپایی منافاتی با حفظ هویت ملی ندارد و اروپا هم می‌تواند مثل یک دولت باشد. حتی از منظر اقتصادی و با هدف تقویت بازار مشترک نیز گفته می‌شود که نیاز به فرهنگ و زبان مشترک احساس می‌شود، و بازار داخلی اروپا بدان جهت با بازار داخلی ایالات متحده آمریکا قابل مقایسه نیست که دارای زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت است^{۱۱}.

در همین راستا و در زمینه توجه به زیرساخت‌های فدرالیسم، صاحب‌نظران معتقدند حداقل باید سه محور^{۱۲} مورد توجه قرار گیرد:

۱-۲-۱- تقسیم صلاحیت‌ها و توضیح ایده فدرالیسم برای شهروندان: باید مسائل حقوقی از جمله اینکه مرجع صلاحیت‌دار کیست و میزان صلاحیتش چه مقدار است بررسی شود. در حیطه سیاسی انواع صلاحیت‌ها از صلاحیت خاص، صلاحیت مشارکتی تا صلاحیت تکمیلی مورد توجه قرار گیرد تا مشخص شود دولت اروپایی چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد و چه مسائلی در اختیار دولت‌های عضو می‌ماند. مهم‌تر آنکه این مسائل و نیز نفس فدرالیسم و ارزش افزوده‌ای که می‌تواند برای اروپا داشته باشد مورد بحث قرار گرفته و در اختیار شهروندان گذاشته شود. در واقع آگاه کردن مردم به عنوان شهروندان این دولت فدرالی امری حیاتی است؛

۱-۲-۲- توجه به رابطه بین فدرالیسم و دموکراسی: باید ساز و کاهای دموکراتیک اتحادیه اروپا را بالا برد، از طریق تقویت پارلمان و برگزاری انتخابات در سطح اتحادیه، مانند آنچه راجع به نمایندگان اتحادیه اروپا چند سالی است شاهد هستیم که دیگر

10. M. CARO « annexe au rapport N=2676 de M. Gouzes » (Assemblée Nationale, session ordinaire du 2 mai 1992, sur le projet de loi constitutionnelle n=2623, ajoutant à la Constitution un titre « de l'Union Européenne »), 18.

11. Nicol Fontaine, op. cit.

12. Gaëtan Ricard-Nihoul, Pour une Fédération européenne d'Etats-nations, La vision de Jacques Delors revisitée, (Collection Europe : Larcier, 2012), 203.

نمایندگانی از پارلمان‌های کشورهای عضو نیستند بلکه جداگانه و توسط مردم انتخاب می‌شوند. مشکل فعلی دو قدرت قانونگذاری اتحادیه است که یکی از این دو قدرت (پارلمان اروپا) مانند کنگره بوده و توسط مردم انتخاب می‌شود، ولی قدرت دیگر (شورای اروپا) که توسط دولت‌ها تشکیل می‌شود و نقشی مثل سنا در آمریکا بازی می‌کند، سیاسی بوده و آراء در آن برابر نیست^{۱۳}. تقویت پارلمان از جهات دیگری نیز مثبت است، اولاً آنکه تجربه‌اش در کشورهای مثل آلمان و سوئیس^{۱۴} همچنین انگلستان وجود دارد، ثانیاً در صورت قدرت پارلمان امکان تغییر ناگهانی از سیاست‌های راست به سیاست‌های چپ کمتر است، آنچه با انتخابات ریاست جمهوری در کشوری مثل فرانسه محتمل می‌باشد. اما با تقویت جایگاه پارلمان حتی در صورت پیروزی چند دولت چپ برای مثال در چند کشور، پارلمان همچنان وجود دارد.

همچنین گفته شده است، از امتیازات مرکززدایی مدل فدرال این است که نمایندگان هر منطقه با رأی مؤثرتری انتخاب شده و رصد انتظارات از قدرت عمومی نیز آسان‌تر خواهد بود، در نقطه مقابل نمایندگان نیز به نحو عملی‌تری نیازهای شهروندانی را که ایشان را انتخاب نموده‌اند شناسایی کرده و در آن مسیر گام برمی‌دارند^{۱۵}.

در نهایت باید هژمونی و همگرایی را در تمامی ابعاد پیگیری کرد، چه رابطه پارلمان کشورها را با پارلمان اروپا تقویت کرد، چه در مسائل اقتصادی باید از سیستم‌ها خواست تا به یکدیگر اطلاع‌رسانی کنند، چه در زمینه مسائلی مثل حقوق کیفری به این سمت گام برداشت و در مجموع مراقب بود تا پیش‌نیازهای‌های فدرالیسم یعنی همبستگی و همکاری تحت‌الشعاع هیچ مسئله‌ای قرار نگیرد^{۱۶}؛

۲-۳-۱- قانون اساسی و دولت اروپایی: مباحث قانون اساسی و اصول آن معیاری است که می‌تواند نقش مؤثری در طی این فرایند داشته باشد. توقع این است که قانون اساسی

۱۳. نباید فراموش کرد که بحران اقتصادی هم در این میان تأثیراتی منفی روی اعتماد دول و مردم به اتحادیه داشته است تا آنجا که مرکل حتی از یونان به عنوان بازیکن بیمار یاد کرد و گفت نمی‌توان برای حفظ یک بازیکن بیمار کل تیم را به خطر انداخت.

۱۴. اگرچه شرایط سوئیس در مجموع خاص و ویژه ارزیابی می‌شود اما تحقیقاتی درباره فدرالیسم این کشور با دغدغه اتحادیه اروپا انجام شده به ویژه در حیطه فرهنگ. نک:

Marie Cornu, *Compétences culturelles en Europe et principe de subsidiarité* (Bruxelles: Bruylant, 1993), 21-74.

15. Laurent Guihéry, *Economie du fédéralisme: quelle constitution fédérale pour l'Europe?* (Paris Budapest Torino: l'Harmattan DL, 2001), 80-81.

16. Ibid, 101.

اروپا مشخص کند که در دولت اروپایی نهایتاً کدام نهاد تصمیم‌گیرنده است، پارلمان اروپا، کمیسیون اروپا، رئیس شورای اروپا یا رئیس کمیسیون؟

در همین زمینه باید اذعان داشت برخی معتقدند که اگر آمریکا، چین و آلمان^{۱۷} در سیستم فدرالی موفقند بدان دلیل است که یک نهاد تصمیم‌گیری دارند که در رأس آن بسته به مورد رئیس جمهور، رئیس حزب یا صدراعظم قرار می‌گیرد اما اتحادیه متشکل از ۲۷ رئیس است و یکی از مهم‌ترین رسالت‌های قانون اساسی یافتن راه‌حلی برای همین مسئله است.

در زمینه قانون اساسی همچنین گفته می‌شود، مسئله اصلی فقدان یک ملت واحد است. در واقع قانون اساسی «ساختارهای حقوقی بنیادین در نظر گرفته شده توسط یک ملت برای هدایت قدرت سیاسی است که در سطح اتحادیه‌ای با فقدان چنین ملتی روبرو هستیم»^{۱۸} و نیاز به تلاش برای شکل‌دهی به چنین ملتی مقدمه واجب این امر نیز هست.

همان‌طور که مشخص است، یکی از جدی‌ترین انتقاداتی که به طرفداران فدرالیسم برای اتحادیه اروپا می‌شود، عدم وجود زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی است، به بیان ساده منتقدین بیان می‌کنند که ساده‌انگاری است اگر بخواهیم یک بودجه بزرگ داشته باشیم و به هر بخش که به مشکل برخورد اختصاص دهیم زیرا برای مثال، مردم آلمان هیچ‌وقت حاضر نخواهند بود که پولشان را به یونانی‌ها یا ایتالیایی‌ها بدهند، به عبارتی فدرالیسم درون یک کشور با فدرالیسم اروپا فرق دارد. آنچه در این انتقاد مشهود است، محور بودن ملیت یکسان از سوی افراد برای پذیرش ثمرات فدرالیسم است. در همین راستا اتحادیه اروپا سعی کرده است تا در قالب برنامه‌های مختلف به ایجاد احساس قرابت بین شهروندان اروپایی بپردازد. شاید بتوان به زبان ساده گفت، اگر هر شهروند اروپایی چند دوست و یا همکار از کشورهای دیگر داشته باشد، در آن صورت، احساس نزدیکی بیشتری با شهروندان این کشورها خواهد کرد، دسترسی به ملتی که خود را اروپایی بداند ساده‌تر خواهد بود و مقاومت در برابر پیامدهای فدرالیسم اروپایی کاهش خواهد یافت.

در نتیجه باید بر این نکته تأکید شود که داشتن یک هویت اروپایی مغایرتی با هویت ملی ندارد و می‌شود هویتی اروپایی در کنار هویت ملی داشت.

۱۷. صحبت از فدرالیسم آلمانی، وجوه مثبت آن و نقشی که می‌تواند در فدرالی شدن اتحادیه اروپا ایفاء کند در آثار مختلف قابل مشاهده است برای مثال به دو منبع ذیل رجوع کنید:
 Chahrazed Aifa, "L'Etat-nation et la construction européenne", Thèse de doctorat en Droit, Université de Nice-Sophia Antipolis, 2012.
 Laurent Guihery, op. cit. p. 80-81.
 18. AIFA, Ibid., 152.

۲- راهکارهای اتحادیه برای تقریب ملل

در راستای دغدغه تقریب ملل و فرهنگ‌های مختلف اروپا، سیاست‌های گوناگون نهاد‌های مختلف اتحادیه اروپا را می‌توان رصد کرد. در این میان نقش کمیسیون اتحادیه اروپا غیر قابل انکار و کلیدی است. این دغدغه که در نهایت آرمان اتحادیه‌ای یکپارچه را دنبال می‌کند در دول قدرتمند نیز دیده می‌شود. برنامه تمرکززدایی و تلاش در این زمینه با ایجاد زیرساخت‌های آن مثل حمل و نقل در فرانسه از جمله این موارد است. در سطحی فراملی و بین مناطق مختلف اروپا نیز از دهه ۱۹۸۰ تلاش برای تنظیم سیاست‌های مشترک و توسعه و پیشرفت عمومی جدی‌تر شده است.^{۱۹}

همان‌طور که اشاره شد، دغدغه تقریب ملل، فرهنگ‌های مختلف و چندزبانه شدن هر شهروند را در سیاست‌ها و برنامه‌های متعدد اتحادیه اروپا می‌توان یافت. برای مثال در مورد ساز و کاری که طبق آن، هر شهروند اروپایی، در هر کدام از کشورهای عضو که فرم درخواست کار پر کند، به طور اتوماتیک آن درخواست به زبان‌های دیگر ترجمه و برای کاریابی به کشورهای دیگر عضو ارسال می‌شود تا اگر امکان شغلی در آنجا بود به جوینده پیشنهاد شود، رئیس نمایندگی اتحادیه اروپا در پاریس^{۲۰}، معتقد است، این نقل مکان‌ها (که برای یافتن شغل از کشوری به کشور دیگر انجام می‌شود، اگرچه با موانعی مثل وجود خانواده در کشور مبدأ و ... همراه است) کمکی است به نزدیک کردن فرهنگ و بالا بردن اعتماد شهروندان اروپایی به یکدیگر و دفاتر کاریابی در دول دیگر به همین منظور دایر گردیده است.^{۲۱} در این زمینه تجربه فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی اتحادیه اروپا و سیاست‌های

19. "Cohésion territoriale," Commission européenne, dernière visite 06/12/2016, http://ec.europa.eu/regional_policy/what/cohesion/index_fr.cfm

۲۰. خانوم آن اوتمن (Anne Houtman)، رئیس فعلی نمایندگی اتحادیه اروپا در فرانسه مستقر در پاریس است. وی سابقه کار در کمیسیون اتحادیه اروپا از سال ۱۹۸۵ را دارا بوده و بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ در کابینه رومانو پرودی (Romano prodi) رئیس کمیسیون وقت اتحادیه اروپا حضور و از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ ریاست این کابینه را برعهده داشته است. همچنین از سال ۲۰۰۴ به طور خاص در زمینه بازار مشترک داخلی اروپا فعالیت داشته و در سال ۲۰۱۰ به سمت فعلی خویش منصوب شده است. وی در تاریخ ۷ نوامبر سال ۲۰۱۲ به دعوت مؤسسه حقوق صلح و توسعه (IDPD) در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه سوفی آنتی پلیس نیس به ایراد سخنرانی با عنوان «بازار داخلی اروپا بعد از ۲۰ سال» پرداخت و دیدگاه‌های خود پیرامون اتحادیه اروپا را ابراز کرد. برای اطلاعات بیشتر پیرامون وی نک:

"Anne Houtman Chef de la Représentation en France de la Commission européenne," dernière visite 06/12/2016, <http://www.maisonurope-brest.eu/document/cv-Anne-Houtman.pdf>.

۲۱. طرح دیگری که وی در این سخنرانی از آن یاد کرد، تلاش اتحادیه برای به کارگیری تکنولوژی‌ای است که طبق آن امکانی حاصل شود برای ردیابی کشتی‌ها، تا وقتی یک کشتی در یکی از بنادر دولت‌های عضو، بعد از

منطقه‌ای آن قابل توجه بوده و می‌تواند به تقریب هرچه بیشتر ملل بیانجامد. از آنجا که مسئله آموزش و تبادل فرهنگی اصطکاک کمتری با حاکمیت‌های ملی داشته، بسیاری از سیاست‌های اتحادیه و کمیسیون در این چهارچوب انجام شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد. همچنین از توسعه همکاری‌ها در بخش‌های مالی و اقتصادی نیز نمی‌توان غافل شد که به برخی از آنها نیز اشاره مختصری خواهیم داشت.

۲-۱- مقررات و سیاست‌های آموزشی و فرهنگی

۲-۱-۱- رشته‌های دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد: تشکیل دوره‌های آموزشی کارشناسی ارشد در رابطه با اتحادیه اروپا در کشورهای عضو، برای مثال حقوق اروپایی بازرگانی^{۲۲} در دانشگاه‌های مختلف فرانسه مثل پاریس و نیس، ارتباط با مراکز دانشگاهی شرق اروپا، تلاش برای گسترش مطالعات بین رشته‌ای حقوق، فینانس و مدیریت، گوشه‌ای از این فعالیت‌هاست.

۲-۱-۲- برنامه اراسموس: سیاست تبادل و انتقال دانشجویان و تأکید بر همکاری با کشورهای دیگر مثل صربستان و کوزوو و گسترش همکاری‌های دانشگاهی با کشورهای خارج از اتحادیه^{۲۳} از دیگر سیاست‌های اتحادیه‌ای در این زمینه است. برای مثال تحت برنامه اراسموس، شرایط و تسهیلات سفر دانشجویان اروپایی در دوره لیسانس برای بازه زمانی ۳ تا ۱۲ ماه به یکی از کشورهای عضو این برنامه فراهم می‌شود و یکی از اهداف چنین اقدامی تقویت زبان کشور مقصد این دانشجویان از طریق حضور در آن کشور و در نهایت تقریب ملل به یکدیگر است. به نظر می‌رسد، در این بازه‌های زمانی میزان و کیفیت انتقال علم و فناوری دغدغه اصلی سیاستگذاران نبوده و از اهداف اصلی این نوع برنامه‌ها همان‌طور که اشاره شد و در معرفی این برنامه‌ها نیز دیده می‌شود آشنایی با فرهنگ و زبان کشور مقصد و شهروندان آن باشد.

۲-۱-۳- برنامه ژان مونه: این برنامه توسط کمیسیون اتحادیه اروپا پیگیری می‌شود و هدف از آن ارتقاء همکاری‌های آموزشی بین دول عضو اتحادیه و اتحادیه اروپا با دیگر

بررسی‌های الزامی، گواهی‌های لازم را کسب می‌کند، در توقف بعدی خود در بندر دیگر اتحادیه‌ای نیاز به بررسی مجدد نداشته باشد. امری که می‌تواند برای تجاری که با بنادر واقع در اتحادیه اروپا در ارتباط هستند بسیار حائز اهمیت باشد.

22. Droit européen des affaires

۲۳. برای آشنایی بیشتر نک:

Dernière visite 06/12/2016, <http://www.europe-education-formation.fr/erasmus.php>.

کشورهاست. از جمله دستاوردهای این برنامه هدایت نزدیک به ۳۷۰۰ پروژه مطالعاتی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ در ۷۲ کشور جهان بوده است.^{۲۴}

۲-۲- مقررات و سیاست‌های منطقه‌ای

یکی دیگر از ارکان سیاست‌هایی که اتحادیه اروپا در راستای تقریب ملل به کار گرفته، ترویج سیاست‌های مشترک منطقه‌ای است. در واقع هدف از سیاست‌های منطقه‌ای انسجام اقتصادی و اجتماعی در اتحادیه است.^{۲۵}

در هر منطقه از اروپا و بین مرزهای چند کشور همسایه، سعی شده است تا در زمینه‌های مختلف، سیاست‌های مشترک اتخاذ شود. این سیاست‌ها بیشتر شامل همکاری‌های فرامرزی در زمینه‌های محیط زیستی، حمل و نقل، شبکه‌های فنی و مولتی‌مدیا و توریسم در مناطق مختلف مانند مدیترانه و بالتیک بوده است. (اگرچه از منظر سیاسی، به دلایل مختلف مثل ریشه‌های تاریخی از جمله جدایی‌طلبی‌ها، نمی‌توان مناطق مختلف اروپا به ویژه یک منطقه از یک کشور را در طبقه‌بندی‌های سرزمینی به نحو مستقل پذیرفت^{۲۶}، اما در این زمینه یعنی موضوع مناطق در اروپا و تلاش برای قوت بخشیدن به آنها آثار مختلفی منتشر شده است^{۲۷}، تأکید می‌شود همان‌طور که اشاره شد آنچه در این پژوهش بیشتر مدنظر است همکاری‌های فرامرزی بین چند کشور مثل منطقه مدیترانه است)

۲-۲-۱- برنامه مد^{۲۸}: این برنامه یکی از برنامه‌هایی است که در چهارچوب همکاری‌های سرزمینی تعریف شده است و با همکاری ۱۳ کشور سیاست‌های توسعه پایدار را در منطقه مدیترانه دنبال می‌کند.^{۲۹}

۲۴. برای اطلاعات بیشتر به دو منبع ذیل مراجعه کنید:

“Jean Monnet Programme,” Education, Audiovisual and Culture Executive Agency, last modified August 05, 2015, http://eacea.ec.europa.eu/llp/jean_monnet/jean_monnet_en.php.

“About Lifelong Learning programme,” last modified December 12, 2013, http://eacea.ec.europa.eu/llp/about_llp/about_llp_en.php

25. Jean Fougerouse, *L'État régional, une nouvelle forme d'État?: un exemple de recomposition territoriale en Europe et en France* (Bruxelles: Bruylant, 2008), 123.

26. Patrick Le Galès et Christian Lequesne, “Les paradoxes des régions en Europe,” *Politiques et management public* 15 (1997): 151-152.

27. Par exemple : Claude Du Granrut, *Europe, le temps des régions*, (Paris : Librairie générale de droit et de jurisprudence 1994).

28. PROGRAMME MED

۲۹. نک:

“PROGRAMME MED,” PROGRAMME MED, Dernière visite 06/12/2016, <http://www.programmemed.eu>.

۲-۲-۲- «سند اروپایی رسم همسایگی و مشارکت»^{۳۰}: این سند، سیاست دیگری است بین ۱۷ کشور شامل ۱۰ کشور مدیترانه‌ای، ۶ کشور اروپای شرقی و روسیه^{۳۱}، که طبق آن پروژه‌هایی که شاخص‌های لازم را داشته باشند با بودجه اتحادیه‌ای تأمین مالی می‌شوند و نهادهای وابسته به اتحادیه نظارت بر پروژه را انجام خواهند داد. نکته جالب آنکه مکان اجرای این پروژه‌ها لزوماً در کشورهای عضو نیست بلکه در کشورهای مثل ترکیه نیز که شانس پیوستن به اتحادیه را نیز دارا هستند (دول ناظر یا در حال مذاکره)، می‌باشد و این خود کمکی است به تقریب ملل و فرهنگ‌ها به یکدیگر. در همین جا باید اضافه کرد در سند دیگری تحت عنوان «سیاست اروپایی رسم همسایگی»^{۳۲} اتحادیه اروپا خود را متعهد به تعمیق روابطش با تمام همسایه‌های اتحادیه کرده است.^{۳۳}

۲-۲-۳- سایر مقررات و سیاست‌ها: در هر صورت همکاری‌های مالی مدیترانه‌ای فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال، همکاری‌های مالی آلمان، فرانسه و سوئیس، همکاری کشورهای بالتیک، دانمارک، سوئد، فنلاند، آلمان، لهستان و حتی نروژ، تأمین مالی کارخانه‌های یک منطقه توسط دول آن منطقه، فاینانس برنامه‌های آموزشی مناطق، اتخاذ سیاست‌های مشترک در اتریش، جنوب آلمان و شمال ایتالیا همه مثال‌هایی از سیاست منطقه‌ای اتحادیه اروپاست.

اگرچه بعد از کنوانسیون مادرید شاهد همکاری‌های منطقه‌ای مالی و اتخاذ سیاست‌های مالی مشترک بین مرزهای کشورهای عضو نیز می‌باشیم اما قوت گرفتن این رویکرد در اتحادیه اروپا را بعد از معاهده لیسبون بهتر می‌توان دید، چرا که تا پیش از آن در متون اتحادیه‌ای از سیاست‌های منطقه‌ای (سرزمینی) صحبت نمی‌شد اما با این معاهده ذکر این سیاست‌ها و توجه به آن وارد متون اتحادیه‌ای شد.^{۳۴}

ترویج همکاری‌های یک منطقه از اروپا به نوعی در راستای تعریف هویتی فراملی برای ساکنان هر بخش است، به طوری که در کنار هویت ملی راه برای شناسایی هویتی دیگر نیز

30. Instrument européen de voisinage et de partenariat (IEVP)

31. Dernière visite 06/12/2016, http://www.euneighbours.eu/main.php?id=423&id_type=2.

32. Politique européenne de voisinage (PEV)

33. "EEAS homepage," European Union External Action, last modified 06/12/2016, http://ec.europa.eu/world/enp/index_fr.html.

34. "Cohésion territoriale," Dernière visite 06/12/2016, http://ec.europa.eu/regional_policy/what/cohesion/index_fr.cfm.

باز شود و در میزان اهمیتی که اتحادیه برای این برنامه‌ها قائل است همین بس، که علی‌رغم بحران اقتصادی، بودجه این سیاست‌ها بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ افزایش یافته است.

نتیجه (یک پیشنهاد برای ایران):

غالباً اشخاص و متخصصینی که در اتحادیه اروپا مشغول به فعالیت هستند، با اقتصاددانان، حقوقدانان و اساتیدی که خارج از اتحادیه هستند، اختلاف نظر جدی دارند. اما آنچه قابل مشاهده است آنکه، فعالین اتحادیه با تأکید بر مواهب اتحادیه و امتیازات آن سعی دارند آرزوی نهایی خود که رسیدن به ایالات متحده اروپایی است را دنبال کرده، شرایط را عادی جلوه داده و به موانع به عنوان مشکلاتی که در طول زمان حل می‌شود نگاه کنند، برعکس برخی از افراد خارج از اتحادیه مسائلی مثل بازگشت به پول ملی یا حداقل استفاده از پول ملی در کنار پول مشترک را مطرح می‌کنند و گاه با کنایه می‌گویند شاید بهتر بود اصلاً عضو اتحادیه نمی‌شدیم. تأثیر منفی بحران اقتصادی بر اعتماد شهروندان اروپایی نسبت به این سازمان بین‌المللی و برخی موضع‌گیری‌های مقامات رسمی مثل صدراعظم فعلی آلمان و رئیس‌جمهور سابق فرانسه نیز مزید بر علت است. لکن امر مسلم آنکه، در کنار نگرانی‌های موجود و کند شدن حرکت تبدیل اتحادیه به یک دولت، حقوق اتحادیه‌ای راه خود را طی می‌کند و با صدور اسناد مختلف به ویژه دایرکتیوها در زمینه‌های مختلف مثل حقوق رقابت^{۳۵} و حقوق فاینانس^{۳۶} بر همگرایی هرچه بیشتر کشورهای عضو رنگ می‌بخشد.

اما آنچه نویسنده در پایان قصد دارد تا با خوانندگان در میان بگذارد، ایده‌ای است که در طول شرکت در نشست‌هایی با موضوع اتحادیه اروپا و نیز مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بدان اندیشیده است و آن نیاز کشور عزیزمان ایران در توجه به تقریب فرهنگ‌ها است. در واقع به نظر می‌رسد، ایران نیز به عنوان در بردارنده فرهنگ‌ها و اقوام مختلف، نیازمند پیگیری سیاست‌های تقریب فرهنگ‌ها است. ناگفته پیداست، نه تفاوت‌های فرهنگی ایرانیان به اندازه تفاوت‌های دو شهروند از دو کشور اروپایی است و نه هدف از تقریب فرهنگ‌ها، نادیده گرفتن فرهنگ‌های بومی و یا کمرنگ کردن آنها، بلکه هدف تنها، نزدیک کردن احساس شهروندان اقصی نقاط ایران به یکدیگر است. این امر می‌تواند زمینه را برای اجرای

35. DIRECTIVE 2004/18/CE DU PARLEMENT EUROPÉEN ET DU CONSEIL du 31 mars 2004 relative à la coordination des procédures de passation des marchés publics de travaux, de fournitures et de services.

36. DIRECTIVE 2011/85/UE DU CONSEIL, du 8 novembre 2011, sur les exigences applicables aux cadres budgétaires des États membres.

سیاست‌های احتمالی منطقه‌ای آینده فراهم آورد و همچنین می‌تواند منجر به افزایش اتحاد ملی شود. به زبان ساده می‌توان تصور کرد که داشتن چند دوست از نقاط مختلف کشور، از کردستان و سیستان و بلوچستان گرفته تا زاهدان و استان‌های مرکزی، می‌تواند نقش مؤثری در تقریب فرهنگ‌ها، ارائه تصویری روشن از آنها و کاهش سوءتفاهم‌های احتمالی داشته باشد. به همین منظور (در کنار سایر سیاست‌هایی که احتمالاً در حال اجراء است) و به عنوان یک ایده که نیازمند پخته شدن از سوی سایر فرهیختگان و دغدغه‌داران می‌باشد، با توجه به تجربه اتحادیه اروپا در حیطه‌های آموزشی و فرهنگی که بنا به ذاتشان نسبتاً مستقل از رویکردها و تصمیمات سیاسی است، پیشنهاد می‌شود تا برنامه تبادل دانشجو در دوره‌های کارشناسی و ارشد دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. نویسنده که خود دانش‌آموخته دانشکده حقوق بوده و تجربه تحصیل در دو دانشگاه تهران و علامه طباطبائی را داراست، به تجربه می‌داند که برای مثال در رشته حقوق، بسیاری از واحدهای درسی از ترم اول تا هشتم در دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌های مختلف مشترک است. بنابراین می‌توان تصور کرد که طبق توافقی، مثلاً تعدادی از دانشجویان دانشگاه بندرعباس ترم دوم خود را در دانشگاه تهران بگذرانند بدون آنکه خللی در ترم‌های تحصیلی ایشان به وجود آید. طبیعتاً برای آغاز می‌توان با چند دانشگاه این طرح را امتحان کرده و شرایط لازم این تبادل مثل تسهیلات خوابگاه‌های دانشجویی، هزینه‌ها و دیگر امور را محک زد. این طرح در کنار هدف اصلی که پیگیری سیاست تقریب فرهنگ‌ها و افزایش اتحاد ملی است، می‌تواند برخی ثمرات دیگر نیز داشته باشد از جمله:

- ۱- آشنایی دانشجویان با اساتید یک یا چند دانشگاه دیگر؛
- ۲- کاهش میل دانشجویان به حضور در چند دانشگاه پایتخت؛
- ۳- افزایش انگیزه اساتید برای حضور در دانشگاه‌های محلی؛
- ۴- آماده‌سازی شرایط برای حضور اساتید صاحب اثر در دانشگاه‌های دیگر برای یک یا چند ترم؛
- ۵- امکان کشف استعدادهایی که به هر دلیلی از جمله کنکور موفق به حضور در دانشگاهی بهتر از دانشگاه خود نشده‌اند.

آنچه گفته شد حاصل دغدغه نویسنده در دوره تحصیل، همراه با برداشتی از خواست‌ها و آرزوهای اساتید و دانشجویان مختلف برای افزایش همکاری‌های بین دانشگاهی بوده است. همان‌طور که اشاره شد این ایده در مراحل اولیه خود قرار داشته و نیازمند بحث و بررسی

بیشتر است، که از همین طریق از تمامی صاحبان نظران و دغدغه‌داران دعوت می‌شود با بیان نظرات خویش در این باره، زمینه را برای محک این ایده فراهم آورند.



فهرست منابع

گفتگو با محمود سربیع‌القلم. «ایران و جهان به کدام سو می‌روند؟ عصر رمانتیسم سیاسی به پایان می‌رسد». اندیشه پویا ۶ (۱۳۹۱).

موحد، محمدعلی. *خواب آشفته نفت دکتر مصدق و نهضت ملی ایران*. چاپ سوم. تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۶.

Agence Erasmus. Dernière visite 06/12/2016. <http://www.agence-erasmus.fr/>.

Aifa Chahrazed. "L'Etat-nation et la construction européenne", (Thèse de doctorat en Droit, Université de Nice-Sophia Antipolis, 2012). Cornu, Marie. *Compétences culturelles en Europe et principe de subsidiarité*. Bruxelles: Bruylant, 1993.

Commission Européenne. "Cohésion territoriale." Dernière visite 06/12/2016. http://ec.europa.eu/regional_policy/what/cohesion/index_fr.cfm.

Commission Européenne. Dernière visite 06/12/2016. http://ec.europa.eu/world/enp/index_fr.html.

Commission Européenne. Dernière visite 06/12/2016. http://ec.europa.eu/europeaid/where/neighbourhood/overview/index_fr.html.

Commission Européenne. Dernière visite 06/12/2016. http://ec.europa.eu/europeaid/where/neighbourhood/overview/index_fr.html.

Cornu, Marie. *Compétences culturelles en Europe et principe de subsidiarité*, Bruxelles : Bruylant 1993.

DIRECTIVE 2004/18/CE DU PARLEMENT EUROPÉEN ET DU CONSEIL du 31 mars 2004 relative à la coordination des procédures de passation des marchés publics de travaux, de fournitures et de services.

DIRECTIVE 2011/85/UE DU CONSEIL, du 8 novembre 2011, sur les exigences applicables aux cadres budgétaires des États membres.

EACEA. "Education, Audiovisual and Culture Executive Agency. Last modified December 06, 2016. http://eacea.ec.europa.eu/llp/about_llp/about_llp_en.php.

EACEA. "Education, Audiovisual and Culture Executive Agency." Last modified December 06, 2016.. http://eacea.ec.europa.eu/llp/jean_monnet/jean_monnet_en.php.

Fontaine, Nicol. "L'Union Européenne: après la crise quels espoirs de relance?." Document présenté au Faculté de Droit et Science politique, Université Nice Sophia Antipolis, 20/11/2014.

Fougerouse, Jean. *L'État régional, une nouvelle forme d'État?: un exemple de recomposition territoriale en Europe et en France*. Bruxelles: Bruylant, 2008.

Guihéry, Laurent. *Economie du fédéralisme: quelle constitution fédérale pour l'Europe ?*. Paris Budapest Torino : l'Harmattan DL, 2001.

La Maison de l'Europe de Brest et le Centre d'Information Europe Direct Bretagne Ouest. "Anne Houtman Chef de la Représentation en France de la Commission européenne." dernière visite 06/12/2016. <http://www.maisoneurope-brest.eu/document/cv-Anne-Houtman.pdf>.

Le Galès, Patrick. et Lequesne, Christian. "Les paradoxes des régions en Europe," *Politiques et management public* 15 (1997): 151-152.

Le Programme MED. "Programme européen de coopération transnationale". <http://www.programmemed.eu>.

M. CARO « annexe au rapport N=2676 de M. Gouzes ». Assemblée National, session ordinaire du 2 mai 1992, sur le projet de loi constitutionnelle n=2623, ajoutant à la Constitution un titre "de l'Union Européenne", 18.

Ricard-Nihoul, Gaëtane Pour une Fédération européenne d'Etats-nations, La vision de Jacques Delors revisitée. Collection Europe: Larcier, 2012.

European Union's Regulations on the Approximation of Nations and the Achievement of European Federalism (With a Proposal for Iran)

Seyed Hossein Tabatabaei

Ph.D. of International Law from the University of Nice Sophia Antipolis
(Institut du droit de la paix et du developpement), Email: hossein_tabatabaei63@yahoo.com

Abstract:

After the economic crisis in Europe, some experts believe that the solution is the dissolution of the Union and some others believe by contrast, in strengthening the Union as a solution. This article will explain two types of regulations and policies to strengthen the Union with the approach of approximation of cultures and nations: first, policies on the culture and education. Secondly, regional regulations (with an emphasis on financial cooperation). The EU objective of these rules and policies is strengthening the unity of the Union.

Keywords: European Union, Federalism, Cultural policy, Education policies, Regional regulations

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XV, No. 2

2016-2

- **The Commercial Custom Rules in International Trade, Interaction between CISG & Incoterms Rules**
Dr. Mahmood Bagheri – Soroush Rostamzad Asli – Naser Azizi
- **Systems of Regulation of Advertising Aimed at Children in Television**
Dr. Bagher Ansari – Manijeh Hashemian
- **Reflections on Dissolution of International Organizations**
Dr. Mansour Jabbari – Masoud Ahsannejad
- **European Union's Regulations on the Approximation of Nations and the Achievement of European Federalism**
Seyed Hossein Tabatabaei
- **Modern Criminology and Relationship between Crimes**
Dr. Alireza Milani – Mohammad Hajighasemi Ardebili
- **Protection of Children in Armed Conflicts in the Context of International Instruments**
Armin Talaat – Mohammad Ahangar Asil
- **Human Rights Council against the National Politics of States: Some Remarks on the Case of North Korea**
Aramesh Shahbazi – Samsam Avazpoor
- **Comparing between Limitations of Issuing Notarize Acts and Secure Electronic Documents**
Abbas Karimi – Amir Sepahi
- **The Inventive Step Requirement in Iranian Patent System**
Hamed Najafi – Mahsa Madani
- **Myanmar Crisis in the Mirror of the Human Rights Council**
Marziye Ghalandari
- **A Study of Incomplete Crimes in Iran Penal Law**
Alireza Rahmaninaimabadi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study